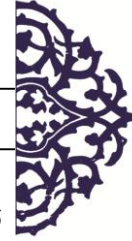


## ارتباط آداب پذیری و عمل‌گرایی با پذیرش دعا «با توجه به آیه ۱۰ سوره فاطر»

عباس علی واشیان<sup>۱\*</sup>؛ سرور یزدی<sup>۲</sup>؛ زهرا سیدی نیا<sup>۳</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2024.29112.1064

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴



### چکیده

دعا وسیله‌ای برای درخواست حاجات و خواسته‌ها از خداوند متعال و کلید دستیابی به گنجینه‌های ارزشمند است. آدمی برای رسیدن به اهداف و آرزوهای خود و در هجوم سختی، بیماری و تنگدستی دست نیاز به سوی خالق خویش دراز می‌کند و به دعا و نیایش می‌پردازد تا از درگاه خداوند طلب حاجت کند؛ اما اجابت دعا نیازمند تحقق شرایطی است. در مطالعه حاضر به بررسی شرایط پذیرش دعا و پاسخ به درخواست بندگان خدا با توجه به آیه ۱۰ سوره فاطر و بر اساس قوانین جهان هستی پرداخته شده است. این مطالعه با روش توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای اسنادی با رویکرد کاربردی توسعه‌ای انجام شده است. برای استخراج و تحلیل متون با کلیدواژه‌های اجابت دعا، قوانین جهان هستی، رعایت آداب دعا و عمل صالح از منابع اسلامی استفاده شده است. طبق یافته‌های به دست آمده بر اساس آیات و روایات به ویژه آیه ۱۰ سوره فاطر، داشتن دو شرط برای استجاب دعا ضروری است؛ یکی از آن‌ها ادبیات مناسب هنگام دعا و دیگری داشتن عمل صالح به میزان کافی است. خداوند متعال، جهان هستی را طبق قوانین آفریده است و آن را اداره می‌کند. استجاب دعا از این قوانین مستثنی نیست و شرایطی دارد که اگر رعایت نشود، نتیجه مطلوبی در پی ندارد و به اجابت ختم نمی‌شود. با توجه به آیه ۱۰ سوره فاطر با رعایت دو شرط، آثار دعا نمایان می‌شود و مورد پذیرش خداوند قرار خواهد گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** استجاب، دعا، رعایت آداب، عمل صالح، قوانین جهان هستی

۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه و دانشگاه علوم پزشکی قم. (نویسنده مسئول) sadra251@gmail.com

۲- دانشجوی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، واحد قزوین، ایران. s.yazdi@ut.ac.ir

۳- دانشجوی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، واحد ارومیه، ایران. zahrasedinia@gmail.com

## ۱. مقدمه

دعا در لغت به معنای ندا و خواهش است و در اصطلاح، درخواست شخص پایین‌تر از مقام بالاتر برای انجام کاری است؛ در صورتی که با فروتنی، تضرع و زاری همراه باشد (ابن فهد حلی، ۱۳۸۱: ۱۸/۱). دعا، خواندن خدا و درخواست حاجت از اوست و به معنی عبادت و نیایش به کار می‌رود (خزائلی، ۱۳۹۰: ۱۶). علامه حسن‌زاده آملی معتقد است: «دعا یاد دوست در دل راندن و نام او به زبان آوردن و در خلوت با او جشن ساختن و در وحدت با او نجوی گفتن و شیرین‌زبانی کردن است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱: ۷). هم‌چنین الکسیس کارل، فیزیولوژیست مشهور در این باره می‌گوید: «دعا و نماز، قوی‌ترین نیرویی است که انسان‌ها می‌توانند ایجاد کنند؛ نیرویی که مانند قوه جاذبه زمین، وجود حقیقی دارد. از راه دعا، بشر می‌کوشد نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدودی چون خدا افزایش دهد» (کارل، ۱۳۷۷: ۶۲). در منابع دینی، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای دعا در نظر گرفته شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: «در يك نگاه کلی دعا به ماثور و غیر ماثور یا منقول و غیر منقول تقسیم می‌شود؛ دعای منقول یا ماثور دعاهایی است که از زبان معصوم علیه‌السلام صادر شده است و دیگران به تبعیت از آنان، مضامینی را هم‌زبان با معصوم زمزمه می‌کنند. دعای غیر منقول یا غیر ماثور دعاهایی است که بر زبان غیر معصوم جاری است که بسته به میزان معرفت، ارادت و ابراز احساسات و تعیین موضع نسبت به خداوند متعال از سوی داعی متفاوت خواهد بود. دعاهای ماثور و منقول نیز از یک نگاه کلان به دعای واقعی و دعای تعلیمی قابل تفکیک است. در دعاهای واقعی، معصومان علیهم‌السلام می‌خواهند تنها خدا بشنود؛ اما دعاهای تعلیمی برای آن است که پیروان اسلام بشنوند و با وظایف خویش آشنا گردند. به بیان دیگر، دعاهای تعلیمی منقول نه تنها کیفیت اظهار ارادت و چگونگی با خدا را می‌آموزد، بلکه متنی است برای شناخت و آگاهی از منزلت خداوند متعال و معصومان و وظایف ما به‌عنوان پیروان اسلام» (کاشفی، ۱۳۸۹: ۱۷). دعا یکی از مهم‌ترین و کارسازترین راهکارها جهت برطرف کردن حوادث و مشکلات فردی-خانوادگی و خروج از بحران‌های اجتماعی است. دعا، کلید رحمت الهی، مایه تقرب به خدا، موجب تأمین خواسته‌ها، دور ماندن از شیطان و حیات جان است که نه تنها در رهایی از گرفتاری‌ها و دردها و رنج‌های زندگی به انسان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند سرنوشت قطعی زندگی را تغییر دهد و از بلاهای گوناگون پیشگیری نماید، از این رو پیشوایان اسلام، پیش‌دستی و تقدّم در دعا (یعنی دعا کردن در روزگار آسایش و قبل از فرارسیدن مصیبت و بلا) را توصیه کرده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۶۹۱/۱).

همان‌گونه که خداوند به حضرت نوح علیه‌السلام هنگام سوارشدن بر کشتی دستور داد تا برای درامان ماندن از حوادث باران و طوفان و به‌سلامت نشستن کشتی دست به دعا بردارد: (فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِّ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ / وَ قُلِ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ) (مؤمنون / ۲۸-۲۹)؛ و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید، بگو: ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید و بگو: پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآوردگانی. خداوند در آیه ۱۸۶ سوره بقره نیز می‌فرماید: (وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) (بقره / ۱۸۶)؛ و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعاکننده را به‌هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند). در تفسیر نور ذیل این آیه آمده است: «دعاکننده، آن‌چنان مورد محبت پروردگار قرار دارد که در این آیه، هفت مرتبه خداوند متعال، تعبیر خود را برای لطف به او به کار برده است: اگر بندگان خودم درباره خودم پرسیدند، به آنان بگو: من خودم به آنان نزدیک هستم و هرگاه خودم را بخوانند، خودم دعاهای آنان را مستجاب می‌کنم، پس به خودم ایمان بیاورند و دعوت خودم را اجابت کنند» (قرائتی، ۱۳۷۴: ۲۸۹/۱).

منابع متعدد دینی، تأکید فراوانی به دعاکردن دارند؛ درحالی‌که افراد زیادی باوجود دعا و توسل به خداوند متعال، به حاجت و خواسته خود نمی‌رسند. امروزه این موضوع به چالشی بزرگ برای برخی دعاکنندگان تبدیل شده است؛ چراکه بعضی، درک درست و کاملی از دعا و شرایط استجاب آن ندارند و در اثر عدم اجابت دعاهای‌شان، در ایمان و اعتقادات مذهبی خود دچار شک و تردید می‌شوند! دراین میان، شیطان نیز با القای شبهات، بذریعۀ دل‌انسان می‌باشد و او را از رحمت پروردگارش ناامید می‌سازد. باوجود شبهات فراوانی که شیاطین درون و بیرون در این زمینه ایجاد می‌کنند، به‌سختی می‌توان فردی عادی را که برای مسائل مختلفی مانند ازدواج، شغل، تحصیل یا بیماری عزیزانش دعا می‌کند، ولی تغییری مشاهده نمی‌کند، همچنان امیدوار و بر دین و ایمان خود ثابت‌قدم نگاه‌داشت! هرچند منظور از دعا تنها خواستن حاجت‌ها و نیازها نیست؛ کسی می‌تواند بر دین و باورهای مذهبی خود ثابت‌قدم بماند که پاسخ شبهات و سؤالات خود را در رابطه با عدم استجاب یا چگونگی استجاب دعا، از منبع موثق دریافت کند. هدف پژوهش حاضر ارائه الگویی صحیح، جهت استجاب دعا با تکیه بر آیات قرآن کریم است.

پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- ۱- چه رابطه‌ای میان آداب‌پذیری و پذیرش دعا وجود دارد؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان عمل‌گرایی و پذیرش دعا وجود دارد؟

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

طبق روابط حاکم بر جهان هستی و بررسی قوانین عمل و عکس‌العمل و تأثیر انرژی‌ها بر یکدیگر و اثبات برخی از این قوانین از جمله تأثیر صوت، اعتقاد، تمرکز، آوا، امواج موسوم به آلفا، بتا، تتا و انواع ریتم‌ها و اشکال و صور بر وقایع جاری و به‌خصوص بر جسم، روح، روان و محیط، امروزه بحث معنویت و دعا کاملاً جنبه علمی به خود گرفته است. در بسیاری از انجمن‌های روحی و علمی جهان، دعا‌های مختلف و مبسوطی که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند، مطالعه و بررسی شده‌اند. با بررسی آن‌ها، به نقش بسیار گسترده معنویت و دعا پی بردند و معتقدند که دعا به‌همان نسبت که باعث سلامت جسمانی و رهایی کامل از تنش‌های روحی می‌شود، موجب احیای دوباره در سطوح ذهنی و جسمانی و روحيات است. معنویت و دعا بیشتر مورد توجه افرادی قرار می‌گیرد که احساس می‌کنند سالم بودن چیزی بیشتر از بیمار نبودن است. عده‌ای از حکما و شاگردان آن‌ها، با استفاده از تعالیم پیامبران، به این دانش رسیده بودند که برای درک کاربرد ارتعاشات شفابخش دعا، باید در مورد وجود انرژی یا نیروی در طبیعت، در کیفیت تعدیل استفاده کنیم. «دعا و نیایش، زاده طبع سلیم و ضمیر ناخودآگاه بشری است» (امیدی فرد، ۱۳۷۷: ۳۲).

معنویت و دعا، از دیرباز بین ملل مختلف به‌شکل‌های گوناگونی بوده است. در قدیمی‌ترین نوشته‌های خط تصویری و خط میخی، مضامین دعاگونه‌ای یافت شده است؛ طوری که می‌توان گفت بشر حتی قبل از اینکه با هم‌نوع خود گفتگو کند، با دعا کردن آشنا بوده و با خالق خود به نیایش پرداخته است. در کتاب منسوب به حضرت آدم علیه‌السلام به نام «گزاربا» یا «صحف آدم» که در بین بعضی از فرقه‌های مذهبی باستان وجود دارد و امروز نزد صابئیان مندائی نگه‌داری می‌شود، اشاره به معنویت و دعا و کیفیت استفاده از آن شده است. هم‌چنین در نوشته‌های به‌جامانده از ادریس هرمس تحت‌عنوان «المثلث بالحکمه» که امروزه به نام حکمت هرمتیکا شناخته می‌شود، اصول معنویت و دعا به‌وضوح آمده است. مناجات‌های حضرت داوود علیه‌السلام با خداوند متعال که معروف به «زبور الهی» یا «مزامیر

داوود» است، نیز از همین قبیل دانش‌ها هست که امروز در بین معتقدان به اصول آن و برخی از معتقدان مذاهب الهی و آسمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کتاب به دعا پرداخته است و یکی از قدیمی‌ترین متون کهن در این زمینه به‌شمار می‌رود. کتاب دیگری که از قدیم به‌جای مانده و دانشمندان و محققان معنویت و دعا را به خود جلب نموده است، کتاب «نیانی» یا «نیایش‌های حضرت یحیی علیه‌السلام» است که به هر دو زبان سریانی فلسطینی و سریانی مندائی موجود است (برنجی، ۱۳۶۷: ۳۰). در عصر حاضر، صحیفه سجادیه به‌عنوان اثری گران‌بها، مرجع بسیاری از درمانگران رومی قرار گرفته است. بسیاری از روش‌های فکری معنویت و دعادرمانی در مصر باستان برگرفته از روش یونانیان باستان است. فیثاغورث و بقراط هر دو از انرژی‌های شفابخش برای دعادرمانی یاد نموده‌اند. فیثاغورث گفته است که انرژی‌های آن علت اصلی خلقت، آتش مرکزی موجود در کائنات است که تمام انرژی‌های شفابخش از آن سرچشمه می‌گیرد (واشیان، ۱۴۰۰: ۸۵/۳).

تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی با موضوع دعا نوشته شده است. در میان مطالعات صورت گرفته، تاکنون هیچ پژوهشی مسئله مهم شرایط استجاب دعا را از دیدگاه آیه ۱۰ سوره فاطر بررسی نکرده است. برخی از پژوهشگران طی مطالعاتی که در زمینه دعا انجام داده‌اند، شرایط دعا و موانع استجاب آن را از منابع مختلف دینی استخراج نموده و الگوهای صحیح دعا کردن را که در قرآن کریم و ادعیه معروف وجود دارد، معرفی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در کتاب «نهج الدعاء» که محمد محمدی ری‌شهری، بزرگترین نعمت‌ها را نعمت دعا و اجابت آن می‌داند و معتقد است برای بهره‌برداری از این دو نعمت بزرگ، آگاهی نسبت به ارزش و عظمت دعا، شناخت آداب، شرایط، آفات و موانع اجابت دعا و آشنایی با سیره عملی پیشوایان اسلام ضروری است. او اصلی‌ترین مقدمات اجابت دعا را حال انقطاع و تهی کردن دل از امید به غیر خدا معرفی می‌کند و سایر شروط دعا را زمینه‌ساز تحقق این حال می‌داند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹). مدرسی (۱۳۷۹) در کتاب «معراج مومنین و راه زندگی» شروط دعا را هم بر اساس دعا‌های قرآنی و دعا‌های به‌جامانده از معصومین علیهم‌السلام و هم براساس احادیث پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام بررسی نموده است. او اولین شرط دعا را صلوات بر محمد و آل محمد بر می‌شمارد و معتقد است از آنجایی که پیامبر اکرم و معصومین علیهم‌السلام به قله عبودیت و بلندترین مرتبه فرمان‌برداری از خداوند متعال رسیده‌اند، ما نیز با درود فرستادن به آنان، این رابطه را مورد دقت قرار می‌دهیم تا از آن الهام بگیریم. ازسوی دیگر، موسوی (۱۳۸۹) در مقاله «نقد و بررسی مسئله دعا و پاره‌ای از چالش‌ها» به بررسی علل عدم استجاب دعاها پرداخته است.

در این تحقیق، تعدادی از دعاهای پیامبران در قرآن کریم ذکر و بر اساس آن، چنین نتیجه‌گیری شده است که تنها دعاهایی به اجابت می‌رسند که در جهت افزایش معنویت و تقرب به خداوند متعال باشند؛ اما دعاهایی که به‌منظور حوائج دنیوی زمزمه می‌شوند، تنها در صورتی مستجاب می‌شوند که به مصلحت انسان باشند. وکیلی و دانش‌نهاد (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود تحت‌عنوان «استجاب دعا در آئینه قرآن و عترت» پذیرش دعا را وابسته به رعایت آداب آن می‌دانند و در بررسی خود به سه رکن اساسی اشاره نموده‌اند که از جمله آن‌ها، توجه به خداوند متعال، وسائط فیض و نفوس انسانی است. در این بررسی، وجود یا عدم‌قابلیت در انسان در رابطه با استجاب دعا، بسیار مهم شمرده شده است و اموری همچون استغفار، صدقه و کار خیر را موجب ایجاد قابلیت برای دعاکننده می‌داند. هم‌چنین صدری (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «تحلیل و تبیین مفهوم و قلمرو دعا» به بررسی رابطه دعا با تلاش و قضاو قدر پرداخته است و اجابت دعا را منوط به شرایطی می‌داند که در صورت فقدان آن، اجابت نمی‌شود. از جمله این شرایط این است که دعا باید خطاب به خداوند متعال باشد که قدرت مطلق است و از اجابت هیچ خواسته‌ای ناتوان نیست و شرط دیگر، حالت اخلاص است که در این صورت درخواست‌کننده و دعاکننده از تمام اسباب ظاهری قطع امید کرده باشد. حاجی عبدالباقی (۱۳۸۷) در مطالعه خود تحت‌عنوان «شرایط استجاب دعا» به دنبال پاسخی در رابطه با علت نیاز انسان به دعا بوده و به بررسی شرایط استجاب دعا پرداخته و عوامل درونی مانند اخلاص، معرفت، ایمان و غیره و هم‌چنین عوامل بیرونی مانند آداب، مکان‌ها و زمان‌های نیایش را مورد بررسی قرار داده است. سلیمیان (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «موانع پذیرش دعا» علاوه بر داشتن شرایط و آداب دعا، لازم دانسته که به موانع و اموری که ممکن است دعا را از اثربخشی حقیقی دور کند، توجه کافی داشته تا در جهت رفع آن‌ها بکوشیم. او این موانع را امید به غیرخدا، گناه و مخالفت با حکمت الهی نام برده است. هم‌چنین، میرشمسی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «مبانی، شیوه‌ها و موانع دعا از دیدگاه قرآن»، دعاکردن را به‌عنوان نوعی عبادت معرفی نموده و شرط تحقق آن را اخلاص و احساس نیاز و ذلت در مقابل پروردگار دانسته و از استغفار، شکرگزاری نعمت‌ها، توکل و واگذاری نتیجه به خداوند متعال با عنوان زمینه‌های استجاب دعا نام برده است.

## ۲. روش تحقیق

مطالعه حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و به‌صورت کتابخانه‌ای اسنادی با رویکرد کاربردی توسعه‌ای صورت گرفته است. در گام اول، ارتباط استجاب دعا با قوانین جهان هستی را مورد بررسی قرار می‌دهد و

در گام‌های بعدی عوامل مؤثر در استجابات دعا و به دنبال آن، موانع اصلی استجابات دعا را تبیین و تحلیل می‌نماید.

### ۳. ارتباط استجابات دعا با قوانین جهان هستی

خداوند در ابتدای خلقت و بعد از هبوط حضرت آدم علیه‌السلام به زمین، قوانین ثابتی را برای بنی آدم وضع کرد تا با تکیه بر آنها، برای زندگی خویش برنامه‌ریزی کند. این قوانین همان سنت‌های الهی هستند. شهید مطهری در کتاب «عدل الهی» می‌نویسد: «آنچه در اصطلاح فلسفه به نام نظام جهان و قانون اسباب خوانده می‌شود، در زبان دین، سنت الهی نامیده می‌شود» (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۱۱). شناخت این سنت‌ها و پایبندی به آنها، زندگی انسان را در جهت درستی قرار می‌دهد و او را از خطرات مصون می‌دارد و نیز تخطی از آنها، باعث ایجاد سختی و مشقت در زندگی انسان خواهد شد؛ چراکه «سنت‌های الهی، مجرای جریان اراده، تدبیر و حکمت خداوند متعال در هستی هستند» (صدر، ۱۳۸۹: ۷۱) و «اراده خداوند عبارت از تحقق عبودیت در عالم است» (روحانی، ۱۳۹۴). پس برای این که در دایره سنت‌های الهی قرار بگیریم، ناگزیر به شناخت قوانین جهان هستی و شاخصه‌های عبودیت و پایبندی به آنها هستیم که با تحقق آنها، شرایط استجابات دعا را نیز رعایت کرده باشیم.

یکی از این قوانین جهان هستی که جزئی از شرایط استجابات دعا می‌باشد، این است که خداوند فرموده است اگر می‌خواهید به یاد شما باشم، لازم است از یاد من غافل نشوید. این یکی از ساده‌ترین و واضح‌ترین قوانین جهان هستی است که بعد از هبوط انسان به زمین وضع شد؛ قانونی که می‌تواند انسان را هم از گزند آسیب‌های شیاطین جنّی و انسی در امان بدارد و هم دعای انسان را به استجابات نزدیک سازد. به گفته علامه طباطبایی «استجابات دعا با رعایت شرایط و رفع موانع از سنت‌های قطعی الهی است» (طباطبایی، ۱۳۴۹: ۳۲/۲).

از مهم‌ترین شاخصه‌های عبودیت که خداوند در قرآن کریم به آن تأکید کرده و می‌تواند جزئی از شروط استجابات دعا نیز باشد، یاد خداوند متعال، نماز، شکرگزاری و صبر است (فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونَ / يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره/۱۵۲-۱۵۳)؛ پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گوئید و (در برابر نعمت‌هایم) کفران نکنید. ای افرادی که ایمان آورده‌اید از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید (زیرا) خداوند با صابران است. «ریشه تمام سعادت‌ها و سرچشمه عظیم برکات الهی همان شکرگزاری است که روزبه‌روز

انسان را به خدا نزدیک تر و پیوند عشق و محبت بندگان را با خدا محکم‌تر می‌سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۸۲/۳). «اگر انسان صبر پیشه کند، بدون شک به سعادت و کمال خواهد رسید. کسانی که سرنوشت خوب از سوی خدا برای ایشان مقدر شده است، با بهره‌گرفتن از صبر رستگار گشته‌اند؛ زیرا صبر سپری در برابر احتیاج و فقر است» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۳۲۶/۶).

#### ۴. عوامل مؤثر در استجاب دعا

جهان هستی، تابع قوانین و سنت‌های ثابتی است که خداوند متعال آن‌ها را تدبیر و به‌منظور تنظیم پدیده‌های هستی وضع نموده است تا از ایجاد بی‌نظمی و هرج‌ومرج جلوگیری شود. پس می‌توان گفت، دعا و طلب حاجت از خداوند متعال نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چراکه «استجاب و ترتیب اثر دعا، مشروط به شرایطی است. وقتی در بعضی شرایط اخلاص شود، استجاب بر آن مترتب نمی‌شود» (ابن فهد حلی، ۱۳۸۱: ۳۱۴/۱). همان‌گونه که فیض کاشانی در کتاب «المحججه البیضاء» می‌گوید: «تو خدای را می‌خوانی ولی به تو پاسخ نمی‌دهد. هم‌چنین خدا را یاد می‌کنی، اما شیطان از تو نمی‌گریزد؛ برای اینکه شروط ذکر و دعا در تو نیست» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۸/۵). پس لازم است دعاکننده قبل از دعاکردن، شرایطی را فراهم کند. خداوند متعال در قرآن کریم از دو قانون و شرط بسیار مهم، جهت برآورده شدن حاجت‌ها (استجاب دعا) پرده برداشته است تا انسان بتواند طبق همین شروط از خداوند متعال درخواست‌های خود را داشته باشد؛ گرچه شیطان همیشه سعی می‌کند با ایجاد تشویش و دورکردن انسان از این شروط مهم، مانع درخواست مناسب و استجاب دعاها می‌شود. زیرا شیطان می‌داند دعا، قوی‌ترین سلاح مؤمن است و اگر دعایش مستجاب شود، دست و پای شیطان بسته خواهد شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيكُمْ عَنْ عَدُوِّكُمْ وَ يُدِرُّ رِزْقَكُمْ قَالُوا نَعَمْ قَالَ تَدْعُونَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ» آیا شما را بر اسلحه‌ای راهنمایی نکنم که از دشمن خویش نجاتان دهد و روزی شما را بیفزاید؟ یاران عرض کردند: آری. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: در شب و روز دعا کنید؛ چرا که اسلحه مؤمن دعا باشد (ابن بابویه، ۱۳۶۵: ۲۶/۱).

دو شرط مهم پذیرش دعا در بخشی از آیه ۱۰ از سوره فاطر آمده است: (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ) (فاطر/۱۰)؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد. بر اساس این آیه، شرط اول جهت استجاب دعا، رعایت آداب و ادبیات دعا و شرط دوم، داشتن عمل صالح است.



## ۴-۱. رعایت آداب و ادبیات دعا

اولین شرط پذیرش دعا نزد خداوند متعال، داشتن ادبیات مناسب هنگام دعا است و این امر محقق نمی‌شود جز با داشتن نیت صادق و پاک. چنانچه حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «لِلدَّعَاءِ شُرُوطٌ أَرْبَعَةٌ الْأَوَّلُ إِحْضَاؤُ النَّيَّةِ وَ الثَّانِي إِخْلَاصُ السَّرِيرَةِ وَ الثَّلَاثُ مَعْرِفَةُ الْمَسْئُولِ وَ الرَّابِعُ الْإِنْصَافُ فِي الْمَسْأَلَةِ»؛ برای استجاب دعا چهار شرط است: اول احضار نیت، دوم توجه خالص، سوم معرفت آن کسی که از او سؤال می‌کند، چهارم انصاف در سؤال (دیلمی، ۱۳۴۹: ۱۷۱/۲). امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِنَيْتَةٍ صَادِقَةٍ وَ قَلْبٍ مُخْلِصٍ اسْتَجِيبَ لَهُ بَعْدَ وَفَائِهِ بِعَهْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ هنگامی که بنده خدا با نیت صادق و پاک و قلبی پر از اخلاص و صفا به درگاه خداوند روی آورد، بعد از آن که به عهد و پیمانی که با خداوند منان داشته، عمل نماید، خداوند دعای او را مستجاب می‌گرداند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸۷۴/۲). پس «سزاوار است که بنده در هنگام دعا، با تمام وجود و دلی فروتن و بدنی خاشع و نیتی پاک و ظاهر متذلل و یقینی استوار نسبت به اجابت آن، به درگاه خدا روی بیاورد تا کلام خدا که فرموده است: اِذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ مرا بخوانید، تا دعایتان را اجابت کنم تحقق پیدا کند، و نباید دلش را در حین دعا به غیر حق مشغول بدارد» (دیلمی، ۱۳۷۶: ۴۰۱/۱).

از امام جواد علیه‌السلام روایت شده که فرمودند: «دو نفر که در نسب و دین با هم برابرند، آن که با ادب‌تر است، نزد خدا افضل است. راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم برتری او را در میان مردم و مجالس می‌دانم. برتری او نزد خداوند به چه سبب است؟ حضرت فرمود: قرآن را به همان گونه که نازل شده است، تلاوت می‌کند و دعا را بدون غلط می‌خواند، چه دعای غلط به آسمان بالا نمی‌رود» (ابن فهد حلی، ۱۳۸۱: ۱۰/۱). چنانچه خداوند متعال به حضرت موسی علیه‌السلام وحی کرد: «ای موسی! هنگامی که مرا می‌خوانی ترسان و بیمناک باش و پیشانی بر خاک نه و با گرمی‌ترین اعضای بدن برایم سجده کن و آنگاه که در پیش روی من می‌ایستی، خوار و متواضع باش و زمانی که با من مناجات می‌کنی با دلی ترسان مناجات کن» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۴/۸).

بر همین مناسبت که پیامبران در اوج شدیدترین شکنجه‌ها و فشارهای مختلف مادی و معنوی، هیچ‌گاه از خداوند متعال خواسته‌ای بر اساس منافع زودگذر دنیوی نداشتند، صبور و شکرگزار بودند و هرگز با قهر و گلايه با پروردگار خویش سخن نمی‌گفتند. در مثال دیگری، شاهد حضرت زکریا علیه‌السلام هستیم که همسرشان نازا بود و به‌همین دلیل ایشان زندگی خود را بدون فرزند گذراندند تا این که

در سن پیری از خداوند متعال چنین درخواستی کردند؛ درخواست فرزنددی که در خدمت خدا و ادامه‌دهنده راه انبیا باشد. دعای ایشان بسیار زیبا و فروتنانه بوده و با کلمه «رب» و بدون حرف ندا آغاز شده است. به این ترتیب، حضرت زکریا علیه‌السلام خود را در حالت مرتبط با پروردگار دید؛ اما با توجه به تعبیر «نداء» درمی‌یابیم که آن حضرت با وجود رسالتش و بری بودن از گناه و همانند کسی که از عذاب خدا می‌ترسد، خواسته خود را از خداوند متعال با رعایت ادب درخواست کرد و این میزان از دوری و نزدیکی، گویای شرط بیم و امید در دعاست. سپس از ویژگی‌های انسان و ضعف او گفت که در تمام عمر نیازمند و فقیر الطاف الهی بوده است و بعد از آن، نعمات و الطاف الهی را متذکر شد و اذعان نمود که هیچ‌گاه از درگاه او ناامید و دست‌خالی بازنگشته و با این مقدمه حاجت خود را به زبان آورد. این حد از تضرع و خضوع باعث شد تا صدایش شنیده و درخواستش اجابت شود (زرسازان، ۱۳۸۶).

در قرآن کریم می‌خوانیم: (ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا / إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا / قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا / وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا / يَرْتُبِي وَيَرِّثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا) (مریم/ ۶-۲)؛ (این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا/ در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند / گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده‌ام! / و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند!) و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانیشینی به من ببخش / که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایت قرار ده!

هم‌چنین در داستان حضرت ایوب علیه‌السلام می‌بینیم که ایشان وقتی در اوج سختی و بیماری قرار گرفت و تمام دارایی‌ها و فرزندان خود را از دست داد، به خداوند متعال هیچ اعتراضی نکرد و فقط صبوری پیشه کرد تا آنجا که خداوند متعال از او به‌عنوان «نعم العبد» یاد نمود. ایشان هرگز خداوند متعال را مقصر مشکلات خود ندانست و فرمود: شیطان باعث و بانی مشکلات و بیماری‌های او شده است. در قرآن کریم می‌خوانیم: (وَإِذْ نَادَى عَبْدُنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ) (ص/ ۴۱)؛ و به‌خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.

این نوع ادب و خضوع در مقابل پروردگار و رعایت آداب دعا در زندگی امامان معصوم علیهم السّلام نیز دیده می‌شود. از جمله در دعای کمیل که بهترین نوع ادبیات از کلام حضرت علی علیه السّلام است یا دعای عرفه از امام حسین علیه السّلام که خود شاهکاری از بهترین و هنرمندانه‌ترین لحن‌ها در حمد و ستایش خداوند متعال و دعا محسوب می‌شود. از نمونه‌های دیگر از بهترین دعاها، صحیفه سجّادیه، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای مکارم‌الاخلاق، دعای ندبه، دعای ام‌داوود و دعاها، جویشن صغیر و کبیر است. ادبیات این دعاها نشان می‌دهد که این بزرگواران شرایط استجاب دعا را به‌خوبی می‌دانستند و مهم‌ترین لازمه آن را که صبر و شکرگزاری است، رعایت می‌کردند.

## ۲-۴. داشتن عمل صالح به‌میزان کافی

طبق آیه ۱۰ سوره فاطر، یکی دیگر از شرایط استجاب دعا این است که شخص دعاکننده به‌اندازه کافی «عمل صالح» داشته باشد تا بتواند به دعای خود درجهت رسیدن به خدا نیرو و حرکت بدهد. خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره توبه، عمل صالح را اطاعت از دستورات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و عدم سرپیچی از آنها، حتی در شرایط سخت و تحت فشارهای مادی و معنوی معرفی می‌کند. (مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يَصِيهُمُ ظُلْمًا وَلَا تَضَبٌ وَلَا مَحْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (توبه/۱۲۰)؛ سزاوار نیست که اهل مدینه و باده‌نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم‌پوشند! این به‌خاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود، بر نمی‌دارند و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر این‌که به‌خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

درحقیقت، دستورات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همان دستورات خداوند متعال هستند که به پیامبر وحی می‌شدند. از دیدگاه حضرت علی علیه السّلام در نهج‌البلاغه نیز، تأسی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نشانه محبت باطنی به اوست و سرپیچی از او نمایانگر شقاوت و هلاکت ابدی است (وفا، ۱۳۸۲: ۱/۱۱۰). خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره توبه، از هر حرکت و عملی که باعث خشم و ناامیدی کافران شود، نیز به‌عنوان یک عمل صالح نام برده است و می‌دانیم که در رأس کافران، شیطان و ابلیس قرار دارد؛

چراکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ) (فاطر/۶)؛ البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند. پس هر حرکت بزرگ و کوچکی همچون شرکت در نماز جماعت، راستگویی، حجاب، روزه‌داری به‌خصوص در فصل گرما، کمک به نیازمندان، خوش‌رویی، احترام به والدین و مانند این‌ها که منجر به خشم و ناراحتی شیطان می‌شود، یک عمل صالح محسوب می‌شود و در بالارفتن دعا‌های شخص، نقش ایفا می‌کند.

هم‌چنین آیات ۴۵ و ۴۶ سوره هود با اشاره به واژه «عمل صالح»، اهمیت آن را در شرایط استجاب دعا، مضاعف نموده است (وَ نَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ / قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ) (هود/۴۶-۴۵)؛ نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم‌کنندگان برتری. فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیرصالحی است (فرد ناشایسته‌ای است)! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی. هنگامی که پسر حضرت نوح علیه‌السلام دین یکتاپرستی را نپذیرفت تا همراه آن‌ها سوار کشتی بشود و در آستانه غرق شدن قرار داشت، حضرت نوح علیه‌السلام دست به دعا برداشت و از خداوند متعال خواست تا پسرش را از غرق شدن نجات دهد، چون پسرش را جزء خانواده خود می‌دانست و خداوند متعال نیز از قبل، وعده نجات به او و خانواده‌اش داده بود، اما خداوند در مقابل این دعای حضرت نوح علیه‌السلام فرمود: ای نوح! پسر تو از خانواده و خاندان تو نیست؛ بلکه او با اعمال خود، غیرصالح است. البته مفهوم این آیه از نسبت دادن عمل غیرصالح به پسر نوح علیه‌السلام تولد نامشروع این فرزند نیست؛ زیرا هیچ‌یک از پیامبران با خیانت اخلاقی همسر روبه‌رو نبودند و درشان آن‌ها هم نیست. فی العیون عن الرضا علیه‌السلام: «کیف یقرؤن هذه الآیة قیل من الناس من یقرأ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ و منهم من یقرأ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَمَنْ قَرَأَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ نَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ فَقَالَ كَلَّا لَقَدْ كَانَ ابْنَهُ وَ لَكِنْ لَمَّا عَصَى اللَّهُ نَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ كَذَا مِنْ كَانَ مَنَّا لَمْ يَطْعِ اللَّهُ فُلَيْسَ مَنَّا وَ فِي رِوَايَةِ أُخْرَى نَفَاهُ عَنْهُ حِينَ خَالَفَهُ فِي دِينِهِ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۲/۴۵۰).

از امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نقل شده است: روزی از دوستان خود پرسید: مردم این آیه را چگونه تفسیر می‌کنند؟ (انه عمل غیرصالح) (هود/۴۶). یکی از حاضران عرض کرد: بعضی

معتقدند که معنی آن این است که فرزند نوح، فرزند حقیقی او نبود. امام فرمود: «کلا لقد کان ابنه ولكن لما عصی الله نفاه عن ابيه کذا من کان منّا لم یطع الله فلیس منّا»؛ نه چنین نیست. او به راستی فرزند نوح بود، اما هنگامی که گناه کرد و از جاده اطاعت فرمان خدا قدم بیرون گذاشت، خداوند فرزندی او را نفی نمود. هم چنین کسانی که از ما باشند، ولی اطاعت خدا نکنند، از ما نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۴۶/۹). در این آیه، با وجود این که حضرت نوح علیه السلام با ادبیات مناسبی دعا کرد، اما وجود عمل ناصالح و بد در فرزندش، مانع استجاب دعا می شد. از آیات فوق، می توان این گونه برداشت کرد که عدم استجاب دعا، همیشه به ایرادی در شخص دعاکننده بر نمی گردد؛ بلکه ممکن است شخصی که برای او دعا می کنیم، دارای عمل یا اعمال غیر صالح و ناشایست باشد که مانع از بالرفتن دعا و عدم استجاب آن در جهت رفع مشکل آن فرد می شود.

در روایت سلیمان بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «دعا برای کسانی که دارای قلب سخت و عاصی و غافل از ذکر خدا هستند، به حصول نمی پیوندد» (رضانژاد، ۱۳۶۷). هم چنین خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره احزاب، انسان را به اطاعت از دستورات پیامبر دعوت می کند و می فرماید: (وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّ لَا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَى اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ اَمْرًا اَنْ يَّكُوْنَ لَهُمُ الْخِيْرَةُ مِنْ اَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِيْنًا) (احزاب/۳۶)؛ هیچ مرد و زن باایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هرکس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

## ۵. موانع اصلی استجاب دعا

### ۵-۱. دعاهاى سرگردان؛ مانعی در استجاب دعا

ممکن است افرادی اظهار کنند که انسان موجودی آزاد و دارای اختیار است و اگر استجاب دعا منوط به اطاعت از دستورات خداوند باشد، قانون دموکراسی و آزادی در دین نقض می شود. در پاسخ می توان گفت در این دنیا آزادی و رهایی به معنای تام وجود ندارد؛ چراکه انسان با هر شیوه ای که زندگی کند، ناخودآگاه زیر چتر خالقش قرار دارد. در این زمینه، مردم دو دسته می شوند: عده ای بنده خدا و عده ای بنده نفس (مصباح، ۱۳۸۶). پس هرگاه انسان از چهارچوب عبودیت الهی خارج شود، بدون تردید و به صورت غیرمستقیم تحت سلطه معبود دیگری خواهد بود و آن معبود می تواند هوای نفس، ثروت،

خواب و خوراک، پست و مقام، مواد مخدر، تکنولوژی، شغل، همسر، فرزندان یا شیطان باشد. دعای چنین فردی، حتی اگر صورت دعا داشته باشد، حقیقی نیست و به علت نداشتن شرایط لازم جهت استجاب، به مقصد نخواهد رسید. البته خداوند صدا و نجوای بندگانش را در همه حال می‌شنود، چون او سمیع و علیم است؛ اما با توجه به قوانین جهان هستی و سنت‌های تغییرناپذیر، این دعاها مراحل صحیح خود را طی نمی‌کنند و بین زمین و آسمان معلق و سرگردان می‌مانند و مستجاب نمی‌شوند. خداوند در آیه ۱۴ سوره رعد، به این دعاها اشاره می‌کند و آن را در ضلالت و تباهی می‌داند و تمثیلی برای کسی که غیرخدا را می‌خواند، بیان می‌کند: (لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ) (رعد/۱۴)؛ دعوت حق از آن اوست و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آن‌ها پاسخ نمی‌گویند! آن‌ها همچون کسی هستند که کف‌های (دست) خود را به سوی آب می‌گشایند تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست.

علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» در ذیل این آیه می‌نویسد: «توضیح این که شخص عطشان وقتی بخواهد آب بیاشامد، ناگزیر باید نزدیک آب شود، کف دست را باز کند و آب را برداشته، بنوشد، یعنی به لب رسانده رفع عطش کند، این راه حقیقی و صحیح رفع تشنگی است، و اما لب‌تشنه‌ای که از آب دور است و می‌خواهد سیراب شود، و از آن اسباب و مقدماتی که گفتیم هیچ‌یک را عملی نمی‌کند، جز همین را که کف دست را باز نماید، نزدیک دهان ببرد که چنین کسی هرگز آبی به دهانش نمی‌رسد و از آب‌نوشیدن تنها صورت آن را نشان داده و تقلید آن را درآورده است. مثل کسی که غیرخدا را می‌خواند، مثل همین فردی است که تقلید می‌کند که از دعا جز صورت خالی از معنا و اسم خالی از مسمای آن را نمی‌آورد؛ زیرا این بت‌ها و خدایان دروغین در استجاب دعا و قضای حوائج، همان اثر را دارند که آن آقای تقلیددرآور در رفع عطش خود دارد. یعنی همان‌طور که دست به دهان بردن، صورتی از آب خوردن است، دعا و خواندن بت‌پرستان هم تنها صورتی از دعا کردن است و خاصیت دیگری ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۳۵/۱۱).

## ۲-۵. گناهان و دعا‌های حبس شده

گاهی اوقات، انسان در اثر گناهان و اصرار بر معصیت و ظلم، ارتباط خود را خواسته یا ناخواسته با خداوند قطع می‌کند و همین موجب حبس دعا می‌شود؛ به طوری که اگر شخص دعا کند، دعایش بالا نمی‌رود و اجابت نمی‌شود. امام علی علیه‌السلام در فرازی از دعای کمیل از گناهان به‌عنوان عاملی که باعث عدم استجاب دعا و زندانی شدن آن‌ها می‌شوند، یاد می‌کنند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ»؛ خدایا بر من ببخش گناهایی که دعا را حبس می‌کنند (قمی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

امام سجّاد علیه‌السلام هفت گناه را مانع استجاب دعا می‌داند: «الدُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ / سُوءُ النَّيَّةِ / وَ حُبْنُ السَّرِيَرَةِ / وَ النِّفَاقُ مَعَ الْإِخْوَانِ / وَ تَرَكُّ التَّصَدِيقِ بِالْإِجَابَةِ / وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا / وَ تَرَكُّ التَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبِرِّ وَ الصَّدَقَةِ / وَ اسْتِعْمَالُ الْبِدْءِ وَ الْمُحْشِ فِي الْقَوْلِ» ۱. نیت بد ۲. صفات پنهانی زشت ۳. دورویی و نفاق با برادران دینی ۴. باورنداشتن اجابت دعا ۵. به تأخیر انداختن نمازهای واجب تا آن‌که قضا شود ۶. ترك نیکی و صدقه ۷. آلوده بودن زبان به کلمات زشت و رکیک و فحش و ناسزا (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۲۶۹).

## ۶. مصلحت در دعا

همان‌طور که گفته شد، استجاب دعا مشروط به رعایت یک‌سری آداب و شرایطی است که اگر شخص دعاکننده آن‌ها را رعایت کند، دعایش مستجاب می‌گردد؛ مگر این‌که آن دعا به مصلحت انسان نباشد. بدین معنی که اگر شخص دعاکننده، شروط دعا را به‌درستی و کامل انجام دهد و خواسته‌ای خارج از قوانین جهان هستی نداشته باشد، ولی همچنان دعایش مستجاب نگردد، خداوند متعال برآورده کردن آن حاجت را برای بنده‌اش مصلحت نمی‌داند. چنانچه امام علی علیه‌السلام در قسمتی از سفارشات خود به امام حسن مجتبی علیه‌السلام توصیه فرمودند: «وَرُبَّمَا أُخْرِتْ عَنْكَ الْأَجَابَةُ، لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ لِأَجْرِ السَّائِلِ، وَأَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمَلِ. وَرُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ، وَأُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ»؛ گاه می‌شود که اجابت دعا به تأخیر می‌افتد تا اجر و پاداش درخواست‌کننده بیشتر گردد و عطای آرزومندان را فزون‌تر کند و گاه می‌شود چیزی را از خدا می‌خواهی و به تو نمی‌دهد، درحالی‌که بهتر از آن در کوتاه‌مدت یا درازمدت به تو داده خواهد شد یا آن را به چیزی که برای تو بهتر از آن است، تبدیل می‌کند (سیدرضی، ۱۳۸۴: نامه ۳۱). لیاقت‌دار در شرح این قسمت از نامه امام علیه‌السلام

می‌نویسد: «اگر گاهی از دعا و درخواست از خداوند، باوجود رعایت تمام آداب دعا و توجه به شرایط و لوازم تربیتی آن، تأخیر یا عدم اجابت مشاهده شد، حتماً ناشی از مصلحت کلان و درازمدت مرتبی از سوی مری بزرگوار (خداوند متعال) می‌باشد» (لیاقت‌دار، ۱۳۸۶: ۳۰/۱).

## ۷. نمونه‌ای از آداب صحیح دعا

دعا در تعالیم دین اسلام، آداب و شرایطی دارد و لازم است شخص دعاکننده حین دعا و پس از آن، این آداب را رعایت کند تا با رفع موانع، مسیر استجابت دعایش تسهیل و امکان پذیرش آن نزد خداوند فراهم شود. این آداب و شرایط در روایات معصومین علیهم‌السلام نقل و در معتبرترین کتب دینی مانند اصول کافی، وسائل‌الشیعه، محجه‌البیضا و... ثبت شده است. از جمله شرایط، اول آن‌که، اوقات شریفه را برای دعای خود اختیار کند، مثل روز عرفه و ماه رمضان و روز جمعه و وقت سحر و شب‌های قدر و شب‌های جمعه و امثال این‌ها. دوم آن‌که، حالتی را ملاحظه کند که در آن حالت، استجابت دعا وارد شده، مثل حال آمدن باران و عقب نمازهای واجب و میان اذان و اقامه و وقت وزیدن بادهای در هنگامی که روزه باشد. سوم آن‌که باطهارت باشد، یعنی وضو یا غسل داشته باشد. چهارم آن‌که، رو به قبله باشد. پنجم آن‌که، دست‌های خود را بلند کند، به نحوی که زیر بغل او نمایان باشد، همچنان که گدایان، دست خود را به جانب دراز می‌کنند. و از حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است که «هیچ بنده‌ای دست خود را به جانب خداوند جبار دراز نمی‌کند، مگر این‌که خدا شرم می‌کند که دست او را تهی برگرداند تا فضل و رحمت خود را در آن جای ندهد» (فیض کاشانی، ۱۳۷۵: ۲۸۹/۲). پس چون دست خود را فرود می‌آورد بر سر و روی خود بکشید. ششم آن‌که، آواز خود را پست کند و میان جهر و اخفات دعا گوید، نه چندان آهسته باشد و نه بسیار بلند. روایت شده است که «چون مردم به خدمت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند تا نزدیک مدینه رسیدند، تکبیر گفتند و صدای خود را به تکبیر بلند کردند. حضرت فرمود ای مردم! آن‌کسی را که می‌خوانید، کر نیست و دور نیست، بلکه در پیش‌گردن‌های شماست» (فیض کاشانی، ۱۳۷۵: ۲۹۱/۲). هفتم آن‌که، در دعا کردن، متوجه سجع و قافیه نشود و سخن پردازی نکند که این طریقه منافی خضوع و تضرع است. هشتم آن‌که، تضرع و زاری کند و با خضوع و خوف و خشیت و هیبت باشد. در اخبار رسیده است که «چون خدا بنده را دوست دارد، او را مبتلا می‌سازد تا تضرع و زاری او را بشنود» (همان: ۲۹۳). نهم آن‌که، جزم داشته باشد به این‌که دعای او اجابت می‌شود و یقین داشته باشد که رد نخواهد شد. از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت



شده است که: «چون دعا کنی، باید چنان گمان کنی که حاجت تو بر در ایستاده است و داخل می‌شود» (همان: ۲۹۴). **دهم این‌که**، اصرار بر دعا کند و الحاح نماید و لااقل سه مرتبه آن را تکرار کند. **یازدهم** آن‌که، قبل از دعا، ذکر خدا کند و ثنا و ستایش او گوید و تمجید و تعظیم او کند و صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد. **دوازدهم آن‌که**، ابتدا اقرار به گناهکاری و عدم سزاواری خود نماید. **سیزدهم آن‌که**، توبه کند و از گناهان خود پشیمان شود، اگر مظلوم بر گردن او باشد، ادا کند یا عزم به ادا کردن آن نماید. اگر متمکن از ادای آن نباشد، توفیق آن را از خدا طلبد. **چهاردهم آن‌که**، به تمام همّت خود رو به خدا آورد و از هرچه غیر اوست، قطع امید نماید. **پانزدهم آن‌که**، لباس و مکان و غذای او از حلال باشد (و این نیز از جمله شرایط عمده است). **شانزدهم آن‌که**، حاجت خود را «بخصوصه» نام برد. **هفدهم آن‌که**، چون دعا کند تخصیص به خود ندهد، بلکه دیگران را در دعای خود شریک سازد. **هیجدهم آن‌که**، گریه کند (و این نیز از شرایط عظیمه و آداب معتمده است). **نوزدهم آن‌که**، دعا را تأخیر نیندازد تا وقت حاجت، بلکه پیش از احتیاج دعا کند. همچنان که وارد است که در حال نعمت و آسانی با خدا آشنایی کنید تا در وقت محنت و دشواری خدا با شما آشنایی کند. **بیستم آن‌که**، همچنان که مذکور شد در حاجت خود، اعتماد به غیر خدا نکند و امید به جز او نداشته باشد (نراقی، ۱۳۸۹: ۸۳۳-۸۳۵).

برای آنچه تاکنون گفته و استدلال عقلی و نقلی شد، می‌توان یک فرمول و چهارچوب کلی و منظم ارائه داد تا حتی کودکان و نوجوانان نیز بتوانند با جابه‌جا کردن برخی کلمات، خواسته خود را در این فرمول قرار دهند و با خداوند به شکل صحیح و اصولی رازونیز کنند. برای این کار، طبق شرایط استجاب دعا، فرمولی در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود.

آداب دعا	متن نمونه
شروع دعا با بسم الله	بسم الله الرحمن الرحيم
شروع دعا با صلوات	اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم
ثنا، تمجید و تسبیح خداوند	سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ
اقرار به گناه و طلب بخشش از خداوند	پروردگارا، گناهان و خطاهایی که نمی‌گذارند من لباس نو برای مدرسه بخرم را بر من ببخش.
شریک کردن دیگران در دعا	پروردگارا، هرکدام از بچه‌های مدرسه که دوست دارند لباس نو بخرند، به آنها کمک کن.
ختم دعا با صلوات	آمین یا رب العالمین و صل علی محمد و آله الطاهیرین

جدول ۱: نمونه متن دعا براساس آداب ذکرشده

## نتیجه‌گیری؛

۱. خداوند متعال، جهان هستی را طبق قوانین آفریده است و آن را اداره می‌کند. استجاب دعا از این قوانین مستثنی نیست و شرایط و ضوابطی دارد که اگر رعایت نشود، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت و به اجابت ختم نمی‌شود.
۲. بر اساس آیه ۱۰ سوره فاطر، رعایت آداب و ادبیات دعا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل، نقش به‌سزایی در برآوردن حاجات دارد. قرآن کریم سرشار از دعاهای پیامبران و اولیای الهی است که با وجود مقام نبوت و رسالت، باز هم در سخت‌ترین شرایط، به‌بهترین شکل و با ادبیاتی نیکو، خداوند متعال را به کمک طلبیدند و خدا درخواست آن‌ها را اجابت فرمود.
۳. برای استجاب دعا، داشتن عمل صالح به‌اندازه کافی، بسیار لازم است و شخص دعاکننده، هنگامی می‌تواند به استجاب دعا خویشت امیدوار باشد که از گناه در درگاه خداوند متعال پروا نماید و در همه‌حال از دستوراتش تبعیت کند؛ چراکه پیروی از دستورات و اوامر الهی و پیامبران عظیم‌الشان، مصداق عمل صالح و یکی از عوامل استجاب دعا است.
۴. خالق ما سمیع و بصیر است و صدای بندگان را می‌شنود؛ اما این انسان است که با عمل نکردن به قوانین جهان هستی و دستورات الهی و پرهیز نکردن از نواهی الهی و عدم رعایت شرایط دعا، از اجابت دعایش محروم می‌ماند.

## فهرست منابع؛

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد ابن علی. (۱۳۶۱). معانی الاخبار. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن بابویه، محمد ابن علی. (۱۳۶۵). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. (ج ۱). قم: دارالشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد ابن علی. (۱۳۶۷). من لایحضره الفقیه. (ج ۶). ترجمه: علی اکبر غفاری و محمدجواد بلاغی. تهران: انتشارات صدوق.
- ابن فهد حلی، احمد ابن احمد. (۱۳۸۱). رازونیا به درگاه بی نیاز. ترجمه: عدیه الداعی و نجاح الساعی. (ج ۱). ترجمه: محمدحسین نایجی. تهران: انتشارات کیا.
- امیدفر، عبدالله. (۱۳۷۷). نقش دعا در زندگی اجتماعی. قم: میثم تمار.
- برنجی، سلیم. (۱۳۶۷). قوم از یادرفته. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- حاجی عبدالباقی، مریم. (۱۳۸۷). «شرایط استجاب دعا». فصل نامه علمی پژوهشی بینات، سال دوم، شماره ۵۸، ۳۲-۴۹.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۱). نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور. قم: انتشارات تشیع.
- خزائلی، محمدعلی و ایزدی، فردوس. (۱۳۹۰). دعاهاى انبیا در قرآن. قم: انتشارات ابتکار دانش.
- دیلمی، حسن ابن محمد. (۱۳۴۹). إرشاد القلوب. ترجمه: هدایت الله مسترحمی. (ج ۲). تهران: انتشارات مصطفوی.
- دیلمی، حسن ابن محمد. (۱۳۷۶). إرشاد القلوب. ترجمه: علی سلگی. (ج ۱). قم: انتشارات ناصر.
- رضانزاد (نوشین)، غلام حسین. (۱۳۶۷). «ندای دعا». فصل نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۳، ۳۰۷-۳۲۸.
- روحانی، تورج. (۱۳۹۴). «سنت‌های الهی در قرآن، منطق استخراج، حوزه‌های تأثیر و ویژگی‌ها». فصل نامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، سال هشتم، شماره ۲۳، ۶۵-۱۲۹.
- زرسازان، عاطفه. (۱۳۸۶). «آداب دعا در نیایش‌های انبیا». فصل نامه بینات، شماره ۵۵، ۱۵۴-۱۶۹.
- سلیمیان، خدامراد. (آذر ۱۳۸۱). «موانع پذیرش دعا». ماه نامه مبلغان، شماره ۳۵، ۶۹-۷۵.
- سیدرضی، محمدبن حسین بن موسی. (۱۳۸۴). نهج البلاغه. ترجمه: علی شیروانی. قم: انتشارات نسیم حیات.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۸۹). المدرسة القرآنیة. قم: دارالصدر.
- صدری، جمشید. (۱۳۸۹). «تحلیل و تبیین مفهوم و قلمرو دعا». فصل نامه پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال اول، شماره ۳، ۸۳-۹۸.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۴۹). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۲). بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی. (ج ۱۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. (ج ۲). قم: الشریف الرضی.
- فیض کاشانی، محمد ابن شاه مرتضی. (۱۳۷۲). راه روشن. ترجمه: محمدصادق عارف. (ج ۵). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فیض کاشانی، محمد ابن شاه مرتضی. (۱۳۷۳). تفسیر الصافی. (ج ۲). تهران: انتشارات مکتبه الصدر.

- فیض کاشانی، محمد ابن شاه مرتضی. (۱۳۷۵). المحججه البیضا. (ج ۲). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- قرآنی، محسن. (۱۳۷۴). تفسیر نور. (ج ۱). قم: انتشارات مدرسه در راه حق.
- قمی، عباس. (۱۳۸۹). مفاتیح الجنان. تهران: پارس کتاب.
- کاشفی، محمدرضا و روحانی، محمدکاظم. (۱۳۸۹). دعا و توسل. قم: دفتر نشر معارف.
- کارل، الکسیس. (۱۳۷۷). نیایش. ترجمه: علی شریعتی. تهران: انتشارات الهام.
- کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول الکافی. (ج ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لیاقت‌دار، محمدجواد. (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد علیه‌السلام. (ج ۱). قم: دفتر نشر معارف.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۹). نهج‌الدعا. ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۹). گزیده حکمت‌نامه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. (ج ۱). قم: دارالحدیث.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۳۷۹). دعا معراج مومنین و راه زندگی. قم: انتشارات مجبان‌الحسین علیه‌السلام.
- مصباح، محمدتقی. (مهر ۱۳۸۶). «اخلاق و عرفان اسلامی». ماه‌نامه معرفت. (ج ۱۱۳)، ص ۵.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). عدل الهی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. (ج ۹). تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. (ج ۳). قم: مدرسه الامام علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). تفسیر نمونه. (ج ۹). تهران: دارالکتب السلامیه.
- موسوی، مجتبی. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی مسئله دعا و پاره‌ای چالش‌ها». دو فصل‌نامه علمی پژوهشی عقل و دین، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۹-۱۵۶.
- میرشمسی، صدیقه. (۱۳۹۹). «مبانی، شیوه‌ها و موانع دعا از دیدگاه قرآن». فصل‌نامه علمی پژوهشی نامه‌الهیات. سال سیزدهم، شماره ۵۰، ۶۱-۷۸.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۹). معراج‌السعاده. قم: جمال.
- واشیان، عباس‌علی. (۱۴۰۰). بهداشت و سلامت از منظر قرآن و احادیث و علوم. (ج ۳). قم: سپهر حکمت.
- وفا، جعفر. (۱۳۸۲). تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه. (ج ۱). تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- وکیلی، محمدحسن و دانش‌نهاد، محمد. (۱۳۹۸). «استجاب دعا در آینه قرآن و عترت». دو فصل‌نامه علمی تخصصی آموزه‌های قرآن و عترت، سال اول، شماره ۲، ۴۹-۶۶.